**استاد معظم آقای حاج سید محمد جواد شبیری**

**جلسات علمی رمضان 1403 ه.ش**

موضوع: روش‌های رفع اجمال با تکیه بر احادیث فقهی

22 /12 /1403

متن خام

جلسه 9

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

بحث سر روایاتی بود که در ذیل آیه شریفه فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وارد شده بود عمده دو تا روایت هست که در ذیل این آیه وارد شده یکی حدیث اربع مائه است

حدیث الْأَرْبَعُمِائَةِ: لَيْسَ لِلْعَبْدِ أَنْ يَخْرُجَ فِي سَفَرٍ إِذَا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْه

از جهت سندی ما تصحیحش می­کنیم.

یکی هم روایت عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَدْخُلُ عَلَيَّ شَهْرُ رَمَضَانَ فَأَصُومُ بَعْضَهُ فَتَحْضُرُنِي نِيَّةُ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع- فَأَزُورُهُ وَ أُفْطِرُ ذَاهِباً وَ جَائِياً أَوْ أُقِيمُ حَتَّى أُفْطِرَ وَ أَزُورُهُ بَعْدَ مَا أُفْطِرُ بِيَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْن فَقَالَ أَقِمْ حَتَّى تُفْطِرَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَهُوَ أَفْضَلُ قَالَ نَعَمْ أَ مَا تَقْرَأُ فِي كِتَابِ اللَّهِ- فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ.

این دو تا روایت به حسب ظاهر بدوی با همدیگر تنافی دارند روایت اول لَيْسَ لِلْعَبْدِ أَنْ يَخْرُجَ فِي سَفَرٍ إِذَا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ ظاهرش این است که واجب است که شخص اقامه بماند و سفر در ماه رمضان حرام است ولی روایت دوم اقامه در وطن را در ماه رمضان و ترک زیارت حضرت سیدالشهدا را افضل دانسته. معنایش این است که اگر سفر هم برود مرتکب معصیتی نشده ولی مستحب است کانّ این کار را انجام بدهد.

اینهارا چطوری با همدیگر جمع کنیم؟ حاج آقا یک بحثی را مفصل بحث کردند اختصاص به این دو تا روایت ندارد بحث مفصلی در مورد اینکه آیا سفر در ماه رمضان جایز هست یا جایز نیست را انجام دادند و در آنجا متمایل شدند بحثی که در بحثشان هست متمایل شدند به حرمت و این کلمه افضل را می­گویند ما «افضل» را حمل کنیم بگوییم «افضل» صریح در جواز نیست افضل ممکن است یک شی ای افضل تعبیر شده باشد در حالیکه متعین باشد. بعد شواهدی را می­آورند وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ که در آیه ارث وارد شده که می­گوید بعضی از طبقات ارث از بعضی از طبقات ارث نسبت به میت اولویت دارند این اولویت داشتن معنایش این است که این نیست که آنها مستحب باشد تقدیم آنها بلکه تعین از آن استفاده می­شود همچنین در باب حالا آن کلمه اولی هست کلمه افضل بعینه در بحث حج تمتع وارد شده در مورد نایی سوال این است که حج تمتع روایت می­گوید حج تمتع افضل است یا حج إفراد؟ حج تمتع افضل است یا حج افراد؟ روایت می­گوید حج تمتع، افضل است از حج افراد. در حالی که برای نایی حج تمتع تعین دارد آن سال اوّل. حجة الاسلام باید حتماً حج تمتع انجام بدهد ولی با این حال با تعبیر افضل تعبیر کرده. بنابراین این صریح این است.

مرحوم خوئی و اینها روایتهایی را که در آن روایتهای شبیه افضل را صریح در استحباب اقامه و این که هر دو طرف مستحب هستند ولی یکی استحبابش بیشتر از دیگری است کان هم اقامه مستحب است هم زیارت سفر رفتن و زیارت در مورد سیدالشهدا انجام دادن هر دو مستحب است ولی اقامه افضل هست و مستحب بیشتری هست یعنی در عدم لزوم اقامه و عدم حرمت سفر روایت افضل را صریح دانسته اند. ایشان این روایت را صریح دانستند در استحباب.

حاج آقا می­فرمایند نه «افضل» صریح در استحباب نیست در موارد واجب هم افضل به کار می­رود بنابراین این طور نیست که صریح باشد آقای خوئی به قرینه افضل آن روایت لَيْسَ لِلْعَبْدِ أَنْ يَخْرُجَ فِي سَفَرٍ إِذَا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ را حمل بر استحباب کردند می­گویند آن ظاهر در حرمت است این یکی صریح در عدم حرمت هست به صراحت روایت در عدم حرمت از ظهور این روایت در حرمت ما رفع ید می­کنیم حمل بر استحباب می­کنیم.

حاج آقا می­فرمایند نه همچین صراحتی وجود ندارد و جمع بین اینها را به این شکل قرار می­دهند که حمل می­کنند البته حاج آقا عمده قضیه ای که هست روایت دوم را از نظر سندی می­گوید نامعتبر است بنابراین به این شکل روایت را بحث نمی­کند ولی کل روایاتی که در حرمت سفر در ماه رمضان است چه روایاتی که ناظر به آیه هست چه روایاتی که ناظر به آیه نیست می­گویند این روایات حرمت شهر رمضان با معارضاتشان آن معارضاتی که دال بر عدم حرمت است صریح در عدم حرمت نیست که ما روایات دال بر حرمت را به قرینه آن روایات حمل بر استحباب کنیم. بحثشان در خصوص این روایت نیست این مطلب را توجه داشته باشید.

شاگرد: ظهور را قبول کردند

استاد: بله بعد ایشان اصل ظهور را هم پذیرفتند و توضیح دادند که ولو افضل به معنای جامع هست یعنی جامع بر وجوب و استحباب ولی در جایی که شما می­خواهید تحریک کنید شخصی را جامع آوردن صحیح نیست یعنی ظهور قضیه فرض کنید که ما می­گوییم فلان کار کار خوبی است کار خوب شی ای که مستحب هست خوب است شی ای هم که واجب هست آن هم خوب است ولی در مقام تحریک ما می­گوییم کار خوبی است این کار کار زشتی است این کار کار زشتی است «کُرِهَ» واژه «کُرِهَ» این ناپسندیده است این کار ناپسندیده خب هم کار حرام ناپسندیده است هم کار مکروه ناپسندیده است ولی در مقام تحریک و زجر شما بگویید این کار زشت است آن ظهور دارد در اینکه این کار حرام نیست دیگر اصل مکروه بودن را می­خواهد بیان کند بنابراین ایشان می­گوید این ظهور دارد در استحباب ولی در حدی نیست که نشود ما از این روایت به قرینه روایات دیگر رفع ید کنیم از این مطلب.

این چکیده مطلبی هست که در جمع بین ادله فرمودند بعد یک بحثهایی دارند که نهایتاً که آیا باید چه کرد مجموعاً ایشان احتیاط واجب می­کنند در اینکه سفر در ماه رمضان حرام باشد چون تعبیرش این است که لااقل احتیاط واجب در این هست که سفر در ماه رمضان حرام باشد

شاگرد: سفر قبل از طلوع فجر است

استاد: حالا بعد بحثهایی دارد سفر در بعد از طلوع فجر است

شاگرد: قبل از زوال ؟

استاد: بله قبل از زوال

شاگرد: بعد از زوال ؟

استاد: بعد از زوال نه. سفری که مضر صوم باشد بعد از زوال که مضر به صوم نیست

شاگرد: بعد از زوال اگر برود مسافرت فردا مسافر بماند که آن که

استاد: نه اشکال ندارد

شاگرد: اگر سفر حرام سفری باشد که از حین طلوع فجر تا زوال است نسبتش با روایات می­شود که می­گوید افضل این است فلان این که می­گوید افضل است دارد می­گوید مطلقا افضل است و آن که مطلقا حرام است بعد نسبتشان عموم و خصوص من وجه میشه.

استاد: نه فَأَزُورُهُ وَ أُفْطِرُ ذَاهِباً وَ جَائِياً معنایش این است که آن روز را افطار می­کند مال قبل از زوال است أُفْطِرُ

شاگرد: نمی­شود بعد از زوال باشد

استاد: بعد از زوال که افطار نمی­کنند نه مراد این نیست که این حمل کنیم به آنها حمل خلاف است فرض روشن هم همان روز می­دهند دیگر خب عرض کنم خدمت شما این این دو تا روایتی که در این مسئله هست.

البته خود حاج آقا در بحث کتاب نکاح یک نکته ای در مورد حدیث اربع مائه دارند این که حدیث اربع مائه ظهور در وجوب داشته باشد را مناقشه می­کنند در کتاب نکاح اشاره می­کنند حدیث اربع معه اکثر فقراتش استحبابی است و لیس للعبد در حدیث اربع مائه را می­گویند ظهور در وجوب ندارد اصلاً اصل ظهور آن روایت در وجوب را انکار می­کنند بنابراین عرض کنم خدمت شما به نظر می­رسد که ذاتاً این روایات با هم تنافی ندارند که لیس للعبد می­تواند کراهت باشد فهو افضل هم به یک معنا کراهت در آن وجود دارد یعنی کراهت عرضی به اعتبار اینکه انسان یک مستحب موکدی را دارد ترک می­کند و اینها خب هر دو اینها این با حدیث اربع مع با توجه به سیاقش حمل به استحباب اصلاً ذاتاً ظهور در وجوب ندارد روایت عرض کنم ابی بصیر هم ذاتاً ظهور در استحباب دارد بنابراین اینها با همدیگر تنافی ندارد منتهی یک نکته اینکه هر دو این روایتها استدلال کردند به آیه شریفه صحبت سر این است که از آیه شریفه می­توان استحباب فلیصومه در آیه شریفه وجوب صوم را گفته . از کجای آیه استحباب عدم خروج استفاده می­شود اگر بتوانیم از آیه استحباب عدم سفر را استفاده کنیم ببینید آن اگر فمن شهد منکم الشهر الشهر مفعول فیه باشد و مراد از شهد یعنی مسافر نبودن و حاضر بودن خب اصلاً می­گوید شخصی که مسافر نیست باید روزه بگیرد حالا مسافرت کردن چه حکمی دارد نسبت به این سکوت دارد عرض کردیم جمله شرطیه ای که نسبت به اینکه شرطش جایز هست یا جایز نیست آن سکوت دارد بحث سر این است که اگر شهد به معنای مفعولٌ به باشد یعنی کسی که این ماه را درک کند خب آن اگر باشد و ذیل روایت هم مقید این نباشد خب یعنی واجب هست شما تحصیل این شخص را بکنید این می­گوید که بر همه افراد واجب است روزه بگیرد اگر ماه رمضان را درک کنند و روزه صحیح هم در روزه غیر سفر است باید شرط واجب تحصیل بشود تحصیل شرط واجب این یا شرط واجب است یا شرط وجوب است اگر شرط واجب باشد تحصیل آن واجب است نه مستحب اگر شرط وجوب باشد از ناحیه شرط وجوب بودن مسکوت است که آیا تحصیلش واجب است تحصیلش واجب نیست امثال اینها این آیه دیگر دال بر استحباب هیچ وقت ندارد در حالی که شما می­خواهید بگویید طبق این حدیث دو تا حدیث به آیه شریفه فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ بر استحباب عدم خروج تمسک شده این چه جوری می­شود؟

پاسخ مطلب این است که یک مطلبی را مرحوم سید مدعی هست من اجمالش را عرض می­کنم سید عقیدشان این است که جایی که یک عامی ذکر بشود بعد استثنا بشود عامی ذکر بشود استثنا بشود این از باب مقتضی و مانع فهمیده می­شود مقتضی و مانع فهمیده می­شود فرض کنید بگویند که به سادات احترام بگذارید بعد از آن طرف بگویند ولی با سید فاسق احترام لازم نیست بکنید این معنایش این است که سید به طور کلی اقتضا احترام را دارد فسق مانع آن است بعد ایشان نتیجه گیرهایی می­کند مثلاً اگر قاعده مقتضی مانع را ما قائل باشیم که در جایی که شک در مانع بکنیم باید به قاعده مقتضی مانع تمسک کنیم جایی که یک سیدی باشد که شک داریم در فسق و عدم فسق او یک بار قاعده مقتضی مانع باید بگوییم که احترامش واجب است این می­گوید ظهور ادله عمومات و استثنائات این است که عام حتی در مورد استثنا هم اقتضا دارد و استثنا از باب مانع آن مقتضی عام است که نمی­گذارد به وجوب خودش باقی بماند این مطلب.

حاج آقا این مطلب را انکار می­کردند و می­گفتند نه این شکلی نیست البته قبول می­کردند به تناسبات حکم موضوع. بعضی وقتها این طور فهمیده می­شود ولی نه به طور کلی.

به نظر می­رسد در جایی که آن استثنا از باب ترخیص باشد از باب تسهیل باشد از باب تسهیل باشد یعنی از باب این یعنی اینکه آن عمومات آن عام اقتضا دارد این شارع مقدس می­خواهد ولو آن اقتضا دارد تسهیل به خرج بدهد فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ این جا اشاره کردیم اصلاً این آیه کل آیه در مقام این است که می­خواهد بگوید این روزه ای که ما بر بعضیها لازم نکردیم فعدة من ایام آخر در مقام تسهیل است ذیلش هم که تصریح به این که می­گوید يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ می­گوید این که ما بر بعضی افراد واجب نکردیم بر مسافر واجب نشده بر مریض واجب نشده در ماه رمضان و ماههای دیگر قرار داده شده این يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ در جایی که نکته ترخیص همین یعنی نکته عدم استثنا به جهت جنبه ترخیصی باشد یعنی جنبه ارادة الیسر باشد در اینجا معنایش این است که آن حکم ملاک دارد حتی در این مورد هم ولو ملاک دارد ولی شارع مقدس به خاطر تقدیم مصلحت ترخیص ملاکی را یعنی اینجا تزاحم ملاکات است یک ملاک ایجابی هست و یک ملاک ترخیصی هست شارع مقدس ملاک ایجابی را بر ملاک ترخیصی مقدم داشته در اینجا آیه شریفه می­خواهد بگوید که حتی در کسی که می­خواهد سفر برود یک ملاک دارد از او فوت می­شود بنابراین خب سفر نرو دیگر البته شارع مقدس اینجا اجازه داده به خاطر اینکه نخواسته سفر را حرام کند به دلیل اینکه می­خواسته راحت بگیرد نفس سفر را ولی یک ملاک دارد فوت می­شود و در فوت ملاک خب خوب است آدم یک کاری کند که ملاک فوت نشود دیگه یک نکته ای را هم در مورد این روایت عرض بکنم روایت ابی بصیر فرض این است که طرف زیارت حضرت سیدالشهدا را علی ای تقدیر می­خواهد انجام بدهد یا ماه رمضان یا یک ماه بعد این طور نیست که در روایات زیادی تاکید شده سالی یک بار شما زیارت انجام بدهید سالی یک بار زیارت انجام بدهید کسی که در یک سال زیارت انجام نداده جفا کرده فلان کرده مرحله جفا نیست که زیارت نخواهد انجام بدهد بحث سر این است که در ماه رمضان بکند یا بیست روز بعد انجام بدهد. فرض این است که اگر روزه بگیرد اصل زیارت فوت نمی­شود زیارت در ماه رمضان فوت می­شود

شاگرد: روایتی که گفته ماهی یک بار زیارت بروید چه است

استاد: عرض کنم خدمت شما باشد آن هم باشد یک مقداری ماهی یکبار هم انجام داده یعنی متعارفش این است که فأصوم بعداً نه که فرض این است که یکی دو روز بعد از ماه رمضان بلافاصله دارد می­رود زیارت می­کند آن هم در واقع بحث سر این است که ماهی یک بار بگوییم این قدر تاکید ندارد. از این روایت استفاده می­شود که نسبت به روزه ماه رمضان گرفتن از این که در ماه رمضان در آن بخواهد زیارت حضرت سیدالشهدا را انجام بدهد آن مقدم این است که نه ماه رمضان زیارت انجام ندهد بگذارد بعد از ماه رمضان انجام بدهد او یک بحث دیگر است ولی در جایی که شخص اگر این را انجام ندهد اصلاً موفق به زیارت حضرت سیدالشهدا نمی­شود آن دیگر این روایت مثلاً باید بیفتد سالهای بعد بیفتد یک مدت طولانی بعد امثال اینها نسبت به این هیچ گونه ظهوری چیزی ندارد

این آیه در مقام بیان این است که اصل اولی عدم خروج است کما اینکه حالا این را می­خواهم بگویم به این آیه تمسک شده اگر حاجت نباشد نه ضرورت اگر حاجت نباشد سفر نباید بکنید به اصطلاح حالا ولو به نحو وجوبی بحث سر این است ظاهرش وجوب است یک سری روایتها از جهت سندی معتبر نیست روایت مرسله علی بن اسباط در مرسله علی بن اسباط تصریح کرده به آیه شریفه که شما سفر نرو مگر حاجتی را داشته باشی و ظاهر این مطلب این است که لازم نیست حاجت هم حاجت ضروری باشد الا لحج او عمرة ولو به خاطر مستحب به خاطر عمره. عمره مستحب است بحث سر این است عمره مستحب اگر این واجب باشد چطور اجازه داده شده که عمره مستحب انجام بشود. عمره مستحب این چطوری اجازه داده شده.

به نظر می­رسد که این روایت بعد به آیه هم استناد شده کان نتیجه آیه این است آن چیزی که از آیه استفاده می­شود آن این است که اگر مصلحت اهمی وجود نداشته باشد شما بمان. اگر واجب باشد ماندن آن عمره ای که معارضه با آن دارد تعارض با این می­خواهد بکند او نمی­تواند این را زمین بزند عمره نمی­تواند این را زمین بزند یعنی خود آن روایات از اینکه استثناهایی را می­گوید اصل اولی این است که شما سفر نروید اینکه اصل اولی این است که سفر نروید با وجوب با آن تعبیری که داریم سازگار نیست اگر از آیه وجوب استفاده بشود وجوب فقط به وسیله ضرورت و وجوبهای دیگر زمین می­خورد نه به وسیله مستحب به وسیله مستحب که وجوب زمین نمی­خورد پس این مجموعه اینها استحباب عدم خروج است. استحباب عدم خروج می­توانیم بگوییم که شما نباید خارج بشوید باید روزه بگیرید مگر در بعضی موارد که آنها اهمیتش بیشتر است. حج، عمره، زیارت الاخ نمی­دانم امثال اینها چون اهمیتش مهمتر است حاجات عرفیه ولو حاجات ضروری آن طوری هم نیست حاجات عرفیه را شما می­توانید خارج بشوید همین هم ولو از جهت سندی آن روایت معتبر نیست آن هم موید این است که اینها ناظر به این است که استحباب روزه گرفتن در ماه رمضان استفاده می­شود از این آیه شریفه. استحباب هم از همان مقتضی داشتن آن چیزی که مقتضی برای یک حکمی دارد ولی شارع اجازه داده آدم خودش را از تحت موضوع خارج می­کند یعنی وجوب را مقید کرده ولی شما ولو وجوب مقید هست ملاک شارع ­وجوبی تقیید نشده یعنی اینجا یک ملاکی وجود دارد این ملاک را شارع به خاطر مسند ترخیص از آن چشم پوشی کرده ولی بالاخره ملاک اینجا دارد فوت می­شود شارع می­گوید شما سعی کن که کاری کنید که این ملاک فوت نشود نرو سفر که این ملاک فوت بشود البته بروی سفر باید حتماً هم افطار کنی چون در سفر روزه گرفتن صحیح نیست در سفر ولی خب سفر را هم اگر لازم است حتماً سفر بروی ولی اگر یک حاجت عرفی وجود داشته باشد یک مصلحت اهمی وجود داشته باشد حجی عمره ای امثال اینها آن اشکال ندارد ولی ذاتاً می­خواهد بگوید مستحب است شما بیرون نروی یعنی به نظر می­رسد که از آیه می­توان افضیلت اقامه را استفاده کرد. جمع بین این روایات عرض کردم حدیث اربع مائه اصلاً ظهور در وجوب ندارد به قرینه سیاق حدیث ابی بصیر هم که ظهور در استحباب دارد خب حالا ظهور در وجوب ندارد این ظهور در استحباب دارد اینها ظاهر این روایات این است که به افضلیت روزه در ماه رمضان و عدم خروج به آیه شریفه تمسک شده و آیه شریفه صلاحیت این استدلال را دارد

شاگرد: حاج آقا اگر این چون ظهور در ترخیص دارد ذیل شما فرمودید که پس ظاهر این است که ملاک روزه در همان مورد ترخیص هم و لذا فضیلتش محرز است

استاد: محرز است. حالا آن افضل بودن علی ای تقدیر افضل افضل بودن آن استفاده نمی­شود آن مقدارش استفاده نمی­شود کان می­خواهد بگوید این طور نیست که واجب باشد و امثال اینها اصل فضیلتش از این آیه استفاده می­شود لیس للعبد ان یخرج هم اصل فضیلتش استفاده می­شود بنابراین علی ای تقدیر آن را باید حتی به معنای وجوب هم بگیرید هر چه بگیرید اصل آن بنابراین من می­خواهم عرض بکنم از روایتهایی که در ذیل آیه شریفه وارد شده از مجموع این روایتها استحباب عدم خروج استفاده می­شود و حالا و اینها خودش قرینه است برای اینکه روایتهایی که از آن ظاهرش حرمت خروج سفر در ماه رمضان است حمل بر استحباب بشود

شاگرد: یعنی مخالف حاج آقا ؟

استاد: بله من نکته ای که می­خواهم عرض بکنم این روایت ابی بصیر صدرش هم کان دارد بین دو صورت سوال می­کند بمانم روزه بگیریم یا بعدا روزه بگیرم کان دارد بین دو تا امر مقایسه می­کند این بهتر است یا این بهتر است اصلش هم دارد مقایسه می­کند بین دو تا عمل مستحب که هر دو جایز است یا این یا این. این روایت ابی بصیر خیلی ظهورش در استحباب قوی است و روایت حدیث اربع مائه هم خود حاج آقا در بحث نکاح اشاره کردند ظهور در وجوب ندارد بنابراین به نظر می­رسد که برخلاف فرمایشی که از حاج آقا استفاده می­شود سفر در ماه رمضان حرام نیست بلکه سفر در ماه رمضان به اصطلاح مکروه است حالا سایر روایات بحثهایی دارد که من نمی­خواهم وارد آن روایات بشوم

شاگرد: در خارج از این روایات چه جواب می­دهند

استاد: ایشان افضل را. اینجا اصلاً لیس للعبد، ظهور در وجوبش را پذیرفتند. اصلاً بحث سیاق وارد نشدند در کتاب نکاح در بحث سیاق هست که این روایت را نپذیرفتند اینجا افضل اصلاً اینجا نسبت به روایت افضل خیلی روی آن چیز سندی این روایت را تضعیف می­کنند ما روی این روایت تاکید داریم چون سندش را تصحیح کردیم

شاگرد: به مفاد روایات ملتزم می­شود شد که افضل بشود روزه با اینکه زیارت سیدالشهدا در شب قدر

استاد: نه زیارت حتی در زیارت سیدالشهدا در شب قدری که شخص ممکن است بگوییم شب قدر

شاگرد: حرکت قبل از زوال است .

نه حالا بحث آن شب قدر و اینها آنها چیزهایی دارد حالا آن ممکن است برگردد زیارت بکند و برگردد

شاگرد: متعارفش این بوده که بماند

استاد: نه متعارفش نبوده زیارت می­کند و برمی­گردد این فرض کنید ده روز گذشته اینها کوفه بودند کوفه دو روز راه بیشتر نیست دو روز می­رود فرض کنید دو روز هم زیارت می­کند شب قدر هم برمی­گردد

شاگرد:وقتی روایات دارد توصیه می­کند به زیارت شب قدر

استاد: نه آن کسی که قبلاً زیارت کرده باشد در ماه رمضان باید ؟؟؟ نباشد اشکال ندارد یا کسی که بله هیچ منافاتی ندارد نسبت به زیارت شب قدر و امثال اینها آنها ممکن است یک تقییداتی بشود یک بحث دیگر است ما اصل بحث را می­خواهیم حالا اینکه اصلاً ادله زیارت شب قدر موارد را می­گیرد یا نمی­گیرد آن بحثهای خاصی دارد که اگر بود می­خواستم بحث بکنم ولی آنها بنابراین اصل بحث این است که اصل سفر در ماه رمضان مکروه هست نه حرام.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد